

سبک آموزش دینی امام سجاده(ع)

مسعود معینی پور*

سیدمحمد مهدی موسوی**

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی سبک آموزش دینی امام سجاده(ع) انجام شد و در پی تبیین راهبردی «الگوی آموزش دینی آن حضرت بود»؛ به این منظور از روش توصیف و تحلیل نظری سخنان آن امام(ع) (صحیفه سجادیه و رساله حقوق) استفاده شد. از دستاوردهای این پژوهش عبارت بود از: ۱) در هر شرایط، لازم است که دین‌آموزی به تناسب همان شرایط شکل گیرد و تعطیل نشود (جهل، اختناق و یأس مردم، فساد حاکمان، انزوای امام(ع))؛ ۲) محتوا، باید طبق نیاز جامعه ارائه شود (امام به اموری؛ مانند عدالت، قیامت، قبر، حقوق افراد نسبت به یکدیگر، حقوق محیط زیست، فقه، خانه و خانواده، مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی، امر به معروف و نهی از منکر... پرداختند)؛ ۳) به لحاظ روش آموزش، باید از همه روش‌های ممکن سود جست (تربیت نیرو از میان مستضعفان، ارائه مناجات و دعا، آموزش‌های رفتاری برنامه‌ریزی شده، آموزش‌های گفتاری با زبان توده مردم، زبان عاطفی و فطرت‌گرا).

واژه‌های کلیدی: آموزش دینی، آموزش رفتاری، آموزش دعایی، آموزش علمی، سبک زندگی، امام سجاده(ع)، صحیفه سجادیه، رساله حقوق

مقدمه

با گذشت پنجاه سال از رحلت رسول خدا(ص)، در مقابل شهادت سبط پیامبر(ع)، مقاومت خاصی در جامعه اسلامی صورت نگرفت؛ در چنین شرایطی، امام چهارم حضرت علی بن الحسین(ع) به امامت رسید. او در دوره امامت با خلیفه‌های ذیل هم‌دوره بود: ۱) یزید بن معاویه (۶۱-۶۶ق)؛ ۲) عبدالله بن زبیر (۶۱-۷۳ق)؛ ۳) معاویه بن یزید (چهل‌روز)؛ ۴) مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ق)؛ ۵) عبدالملک بن مروان (۶۵-۶۶ق)؛ ۶. ولید بن عبدالملک (۶۶-۶۸ق) (پیشوایی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۴).

حضرت سجاد(ع) که وظیفه راهبری جامعه اسلام را به عهده داشت، به برنامه‌ریزی و فعالیت مشغول شد و در جامعه اسلامی طی سی و چند سال امامت، تحول جدی ایجاد کرد. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که امام سجاد(ع)، چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی در جامعه اسلامی تحول ایجاد کرد؟

در جامعه ما نیز سبک زندگی‌های غیراسلامی، در بسیاری از موارد، غلبه عمیقی بر سبک زندگی برآمده از اسلام ناب پیدا کرده‌اند. در این میان، برای بازبینی میراث امامان معصوم(ع)؛ از جمله، بازشناسی راهبردهای آموزشی امام سجاد(ع) لازم است تا از آن راهبردها در عمل بهره‌مند گردیم؛ بنابراین، پژوهش حاضر یک مطالعه پسینی برای استخراج راهبردها و روش‌های آموزشی امام سجاد(ع) در آماده‌سازی جامعه برای احیای سبک زندگی اسلامی است.

شرایط دوران شروع امامت امام سجاد(ع)

عصر یزید، شروع عصر خشونت آشکار امویان بود. آنان برای حفظ قدرت و حکومت، فرزند رسول خدا(ص) را به قتل رساندند و خانواده او را اسیر کردند (پیشوایی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۵)؛ فعالیت جاسوسان (اربلی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۴) و زیر نظر بودن امام(ع)، در دعای ۴۹ صحیفه چنین بیان شده است: «پس چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را بر من کشیده و دم تیغ خود را برایم تیز کرده... چشم‌های جاسوسانش در اطراف من نمی‌خوابند... پس چه بسیار سرکشانی که با مکر خود می‌خواهند مرا به سرکشی وادارند و برای من دسیسه‌ها آماده کرده‌اند و جاسوسان را بر

من به مواظبت و حفاظت گماشته‌اند، تا فرصتی و لغزشی پیدا کنند»^۱.
با این شرایط، کسی جرأت نمی‌کرد که به حضور امام (ع) برود. این فضای
اختناق‌آلود و پر از ترس، حتی موجب شد که حضرت مدتی را در بادیه و بیابان، دور
از جماعت، زندگی کند (ابن اثیر، ۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۴۹).

امام سجاده (ع) روی گردانی مردم از امام و شرایط بد زمانه را چنین توصیف می‌کند:
«در تمام مکه و مدینه بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند» (ابن ابی‌الحدید،
۱۰۴؛ ص ۴، ج ۴، ص ۱۰۴؛ مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۴۳). امام صادق (ع) نیز شرایط
پس از شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) را این‌گونه تصویر کرد: «پس از حسین (ع)
مردم مرتد شدند، مگر سه نفر» که در بعضی روایات تا هفت نفر آمده است (کلینی،
۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۴).

تبلیغات اموی برای نشان دادن گناهکاری و شورش امام حسین (ع) بر خلیفه
(عاملی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۴) و سب و لعن امیرالمؤمنین علی (ع) در منابر، ضمن تخریب
شخصیت اهل بیت (ع) در نظر عوام بی‌اطلاع، نشان‌دهنده بغض حکومت اموی از این
خانواده و گویای این مطلب بود که نزدیکی به این خانواده، در شمول این بغض و کینه
قرار دارد؛ همچنین، این فضا موجب شد که امام سجاده (ع) به طور جدی ملازم تقیه
شود و از قیام‌هایی که به نام شیعه صورت گرفت، به شکل رسمی حمایت نکرد
(طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۴۴۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۳۶۷).

در واقع، دستگاه اموی در این دوره موفق شده بود با فعالیت‌های نام برده، به همراه
جعل احادیث در میان مردم و منع نوشتن حدیث (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱،
ص ۱۲۱-۱۳۸)، به جای سیره صحیح پیامبر اسلام (ص) در اکرام و پایبندی به اهل
بیت (ع)، مردم را از اطراف آنان دور کند و این‌گونه بپندارد که کار اهل بیت (ع) به پایان
رسیده است (حیدری آقایی، ۱۳۹۱، ص ۴۱). امویان پس از شهادت امام حسین (ع)
آشکارا به شکستن قداست‌ها روی آوردند. آثار روانی و ایجاد رعب و وحشت فزاینده
در سراسر محدوده حکومت اموی حاکم شد. حیای عمومی فرو ریخت، باب گناه
گشوده شد، فضای لهو و لعب با گسیل رقاصه‌ها، مطربان و اهل لهو و لعب به مکه و

۱. فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ اَنْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ ... وَ لَمْ تَنْمِ عَنِّي عَيْنٌ حَرَّاسَتِهِ... وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي
شَرَكًا مَضَائِدِهِ، وَ كَلَّ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ، وَ اَضْبَأَ اِلَيَّ اِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ اَنْتِظَارًا لِاَنْتِهَازِ الْفُرْصَةِ لِقَرْبَتِهِ.

مدینه گسترش یافت، پس از واقعه حره (اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۵۴) و باز شدن مدرسه‌های غنا و رقص در مکه، مدینه و طائف (عسکری، ۱۳۸۶، ص ۴۲)، مؤید برنامه‌ریزی امویان برای رواج فساد و ایجاد فضای خلاف سنت و دستورهای اسلامی بود. سیاست بی‌خبری مردم از معارف اصیل دینی، از شام به تمام مناطق در دست حکومت اموی سرایت پیدا کرد؛ به طوری که حتی برخی از افراد بنی‌هاشم در زمان امام(ع) نمی‌دانستند چطور نماز بخوانند و حج به‌جا آورند (عاملی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۵). در کنار رواج فساد و بی‌خبری مردم، سیاست جعل حدیث توسط عالمان دولتی، قصه‌سرایی رسمی و دارای منصب، رواج اسرائیلیات به‌جای احادیث رسول خدا(ص) نیز اجرا شد (عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۲۱).

حضرت در دعای ۴۸ صحیفه این اوضاع را چنین وصف می‌کند: «برگزیدگان و خلفای تو مقهور و مسلوب‌الحق شده‌اند؛ در حالی که حکم تو را تغییر یافته، کتاب تو را مطرود، واجبات تو را تحریف شده و سنت‌های پیامبرت را متروک می‌بینند». به طور خلاصه می‌شود گفت که امام سجاد(ع) در ابتدای عصر امامت با این مسائل روبه‌رو بود:

۱) دور شدن مردم از اهل بیت(ع)؛ ۲) بی‌خبری از معارف صحیح اسلام از طریق منع کتابت حدیث، جعل حدیث و پرورش عالمان درباری؛ ۳) رواج فساد در مکه و مدینه و ایجاد فضای یأس و دوری از رحمت الهی. با توجه به این مسائل، حضرت امام سجاد(ع) نیز سیاست آموزش اسلامی را به شکل پنهانی در پیش گرفت، تا سیاست‌های انحرافی بنی‌امیه را از کار بیندازد. فعالیت‌های حضرت را در این زمینه می‌آوریم.

سیاست‌های امام سجاد برای حفظ اسلام

۱. آموزش مردم به منظور شناخت و نزدیکی به اهل بیت(ع)

امام سجاد(ع) با هدف انجام دادن این مهم، مراحل را پشت‌سر گذاشت که عبارت بودند از:

الف) مقدمه‌سازی و آماده کردن مردم برای پذیرش

حضرت(ع) این مقدمه‌سازی را از طریق «القای ادعیه» انجام داد که تقابل مستقیمی

با حکومت نداشته باشد. اگرچه حکومت، طالب دوری مردم از خدا بود، هیچ‌گاه با صراحت نمی‌گفت که به سمت خدا نروید و او را نخوانید؛ همچنین، به دلیل اینکه ظاهر ادعیه به گمان بسیاری از مردم و خود حکومت، دوری از سیاست و نوعی گوشه‌نشینی در دنیاست، واکنش‌ها و حساسیت‌ها را کاهش می‌داد؛ بنابراین، اعتراضی از این جهت به حضرت(ع) نمی‌شد.

به سبب وجود همین دیدگاه درباره ادعیه و نیز اعتراض نداشتن حکومت، دعاها در میان مردم رواج پیدا می‌کرد، به دست همه گروه‌های جامعه می‌رسید و ویژگی فهم‌پذیری، آموزش و بیداری فطری برای همه افراد را داشت؛ بدین ترتیب، حضرت بحث القای ادعیه و پیش گرفتن روش آموزش مخفی توسط دعا را بهترین اقدام برای زمینه‌سازی پذیرش اهداف مدنظر خود، در تقابل با آموزش‌های مخفی و انحرافی بنی‌امیه می‌دانست.

این نکته را باید در نظر داشت که مسئله عمومی بودن پذیرش ادعیه و موضع نگرفتن در مقابل دعا، در هر گرایشی موضوع مهمی است که امروزه نیز باید توجه جدی به آن داشت. اندیشمندان غربی، سبک زندگی را ویژگی مدرنیته می‌دانند و عملکردهای روزانه افراد را تجلی سبک زندگی انتخابی آنان می‌پندارند (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰)؛ بنابراین، آنان هم برای جامعه خود برنامه‌ریزی می‌کنند و هم با سیاست تهاجم فرهنگی، به القای مدرنیته در جوامعی می‌پردازند که قصد سیطره بر آنها را دارند و بدین ترتیب، سبک زندگی خود را در قالب‌هایی پنهان و نرم و به دور از برخورد، آموزش می‌دهند. البته این کار جدیدی نیست، چنان‌که بنی‌امیه هم از ابتدا به همین امر مبادرت کرده بودند.

آموزش از راه دعا، شیوه‌ای نرم و به‌دور از درگیری با برد وسیع است که اثری ماندگارتر خواهد داشت؛ پس در جامعه امروزی ما که افراد، خود را صاحب حق انتخاب سبک زندگی می‌دانند، برای مقدمه‌سازی، القا و آموزش سبک زندگی اسلامی، همان‌گونه که امام سجاده(ع) عمل کرد، می‌تواند کاربرد خوب و مفیدی داشته باشد.

مقدمه‌سازی و آماده کردن مردم برای پذیرش معارف و ارزش‌های اسلام، فعالیتی است که باید در اتاق فکرهایی که برای سرنوشت فرهنگی جامعه احساس مسئولیت و دلسوزی می‌کنند، با توجه به هدف و سیری که حضرت سجاده(ع) در این راه داشت،

برنامه‌ریزی شود. هدفمندی فعالیت و انجام دادن گام به گام این برنامه باید به صورت جدی از فعالیت حضرت (ع) الگوگیری شود؛ بر این اساس، معارف اسلامی باید به وسیله ادعیه (که به زبان روز تبدیل شده باشند) برای مردم تبیین شود، برای شناساندن معارف صحیح اسلام و نیز به منظور رفع بی‌خبری و انحراف، شیوه موعظه فطری با تکیه بر عنصر تکرار به شکلی جدی در دستور کار قرار گیرد؛ امری که بیشتر بر یادآوری معارف متمرکز است و کمتر جنبه استدلالی دارد.

ب) شناساندن رسول خدا(ص)

با توجه به دور شدن مردم از شناخت شخصیت رسول خدا(ص) و جانشینان وی (عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۲۱)، فزازهایی از ادعیه به شناساندن مقام و شخصیت رسول اکرم(ص) اختصاص دارد. امام سجاد(ع) در صحیفه، پیامبر بزرگوار اسلام را این‌چنین توصیف کرده است: «خدای تعالی به واسطه ایشان بر خلق منت گذاشت، رسول خدا(ص) امین وحی، برگزیده از خلق و انتخاب شده از بندگان، پیشوای رحمت و کلید برکت بود. جانش را برای امر الهی قرار داد، با خانواده‌اش برای خدا جنگید، در راه خدا به بلاد غربت هجرت کرد، با اهل کفر جنگید تا فرمان الهی را آشکار کرد»^۱ (صحیفه سجادیه، دعای ۲)

امام سجاد(ع) در دعای دیگری نیز ایشان را چنین توصیف می‌کند: «صلوات بفرست بر محمد، بنده‌ات و رسالت و کلید در بهشت، رساننده عهد و پیمان الهی به بندگان، پیشوای مؤمنین به سوی بهشت، برگزیده شده به علم الهی برای امر پروردگار، شاهد بر خلق، رساننده حجت‌های الهی به مردم، کسی که تمام تلاش خود را برای هدایت خلق انجام داد، خاتم و پایان‌بخش مرسلین، آگاه بر کتاب‌های انبیای گذشته، مؤمن به تمام انبیای قبل، جداکننده حق و باطل، صاحب مقام شفاعت برای امت (صحیفه جامعه، ص ۲۴).

آن حضرت در دعای ۴۷ صحیفه سجادیه هم فرموده است: «درود فرست بر محمد(ص)، آن پسندیده برگزیده، آن گرامی مقرب».

۱. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا أَمِينًا عَلَيَّ وَحَبِيبًا، وَنَجِيبًا مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيًّا مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامًا رَحِيمًا، وَقَائِدًا خَيْرًا، وَمِفْتَاحًا بَرَكَةً. كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ وَعَرَّضَ فَيْتَاحَ لِمَكْرُوهٍ بَدَنَهُ وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ وَقَطَعَ فِي إِخْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ. وَأَقْصَى الْأَدْبَانِ عَلَيَّ جُحُودِهِمْ.

در این مسیر، نقش آموزش مقام و شناخت پیامبر(ص) و سپس شناخت مقام اهل بیت(ع) در پذیرش سخنان آنان و اطاعت آن بزرگواران در زندگی و گزینش سبک زندگی، مهم و اثرگذار بوده و هست. این امر، گرچه در نگاه ظاهری برای جامعه امروز ما چندان لازم به نظر نرسد، نگاهی عمیق‌تر به جامعه را نشان می‌دهد که در ارزش‌ها، عقیده‌ها و باورهای افراد، در خانواده‌ها، تربیت فرزندان و نوع زندگی افراد، تغییراتی رخ می‌دهد که به نام اسلام است، اما اثر اسلام نیست؛ در واقع، خواسته‌های قرآن و اهل بیت(ع)، در زمینه معارف اسلام در جامعه امروز ما کمرنگ شده است.

دلیل این امر آن است که جامعه به جای الگوگیری از اسوه‌های ناب و حقیقی خود، از الگوهایی اثر می‌پذیرد که آنها را برنامه‌های شیطانی استعمارگران راهبری می‌کنند. انتخاب الگوهای رفتاری افراد، در گذر زمان به فرهنگ‌پذیری می‌انجامد؛ بدین ترتیب، فرهنگ‌پذیری در خلال انتخاب الگوهای زندگی، فرآیندی از لایه‌های مادی و نمادین فرهنگ به سوی لایه‌های معنایی آن است. افراد جامعه با گزینش الگوهای رفتاری خود، ندانسته و ناخواسته، ارزش‌ها و معانی پدیدآورنده آن الگوها را در خویش نهادینه می‌سازند.

حیات طیبه، سرشار از قالب‌ها، ارزش‌ها و معانی رفتاری برگرفته از سیره معصوم(ع) است که در طاعت خالق و هماهنگی با عالم تکوین، ظرفیت حقیقی انسان را شکوفا می‌سازد؛ بنابراین، سبک زندگی مطلوب مکتب اسلام، تمدن‌ساز، هدایت‌گر و در جهت کمال همه‌جانبه انسان است. در این میان، شناساندن الگوهای اصلی، یعنی پیامبر و اهل بیت(ع) نقش بسیار مهم و اثرگذاری در شناخت سبک زندگی آنان و تسهیل الگوبرداری در این موضوع دارد. وقتی جایگاه رسولان الهی به عنوان الگوهای متصل به پروردگار، برای زندگی تبیین شود، مردم برای الگوگیری از سبک زندگی آن بزرگواران مشتاق‌تر خواهند شد.

آموزش این امر باید از شکل کارهای مناسبتی خارج شود و همان‌گونه که حضرت سجاده(ع) عمل کرد، به واسطه‌های مختلف، در هر مکان و موقعیتی در دسترس عموم مردم قرار گیرد و با زبانی همه‌فهم، مبانی زندگی اسلامی برگرفته از این الگوها را برای مردم تبیین کرد.

ج) شناساندن اهل بیت(ع) و مصادیق آن به مردم

حضرت سجاد(ع) در موقعیت‌های گوناگون، به شناساندن جانشینان و اهل‌بیت(ع) پیامبر(ص) اقدام می‌کرد؛ زیرا مردم درباره آنان دچار جهل جدی شده بودند و در حق ایشان ظلم بی‌حد و حصر روا می‌داشتند. حضرت(ع) این اقدام‌ها را پس از شهادت پدر بزرگوارش به سرعت شروع کرد. در شام که مردم شناختی از اهل‌بیت(ع) نداشتند، جریان پیرمردی که به امام جسارت کرد، معروف است؛ پیرمردی به هنگام ورود قافله اسرا جلو آمد و بی‌ادبی کرد. حضرت با یادآوری آیاتی از قرآن که در آنها به اهل‌بیت(ع) و ذوی‌القربی اشاره دارد و نیز بیان اینکه مصداق‌های این آیات، همین اسرا هستند، وی را متوجه خطایش کرد (ابن‌اعثم، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۲۴۲). در همین شرایط نیز بنی‌امیه برای معرفی خودشان به عنوان اهل‌بیت پیامبر(ص) تلاش داشتند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۵).

در کاخ یزید هم حضرت وقتی بر فراز منبر رفت، خود را چنین معرفی کرد: «ای مردم، خدا به ما شش امتیاز و هفت فضیلت داده است: علم، حلم، بزرگواری، فصاحت، شجاعت و محبت در دل‌های مؤمنان. آن هفت فضیلت نیز عبارتند از: نبی مختار، صدیق (علی بن ابیطالب)، جعفر طیار، شیر خدا و رسول (حمزه)، دو سبط این امت و فاطمه(س) از ماست». سپس امام شجره‌نامه خویش را چنین شرح داد: «هر کس مرا شناخت که شناخت و هر کس نشناخت، بداند که من پسر مکه و منایم؛ من پسر زمزم و صفایم؛ من پسر آن بزرگواری هستم که حَجَر را با گوشه عبای خویش برداشت. منم فرزند بهترین انسان‌ها و ...» (ابن‌اعثم، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۳۸).

حضرت سجاد(ع) پس از بازگشت از سفر اسارت، در دورانی که شرح آن گذشت، در قالب دعا به بیان و آموزش جایگاه و شأن اهل‌بیت پیامبر(ص) پرداخت. عبارت «صلوات بر محمد و آل محمد(ص)» که ترجیع‌بند بسیاری از دعاهای حضرت سجاد(ع) بود (ر.ک: دعاهای صحیفه سجادیه، صلوات شعبانیه، و دیگر دعاهای حضرت(ع))، آموزشی در برابر سیاست لعن بر علی بن ابیطالب(ع) بود که وی با توصیف و شرح پس از صلوات، از شأن و مقام اهل‌بیت(ع) سخن می‌گفت.

در صحیفه مبارک سجادیه پس از صلوات، مضامینی چون اولیاء الله، اهل‌بیت(ع)، آل

رسول و امام(ع) آمده است(محمودپور، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴). حضرت زین العابدین(ع) کسی است که خدا دوستی و دشمنی با وی را همردیف دوستی و دشمنی با خود قرار داده است (صحیفه سجاده، دعای ۲۱ و ۴۷). در دعای ۴۷؛ حضرت، از خدای متعال برای اینکه او را یکی از «اولیاء الله» قرار داده، سپاسگزاری می‌کند. امام سجاده(ع) با صلوات بر آن بزرگواران، آل پیامبر(ص) را پاک و پاکیزه (همان، دعای ۶، ۳۴ و ۴۵)، وارثان پیامبر(ص) (همان، دعای ۴۲) را برتری داده شده بر خلق (همان، دعای ۲۴) و دارای مقامی همپایه رسول خدا(ص) و نقشی همسان وی (همان، دعای ۴۲) معرفی کرده است. همراهی نام آل درکنار پیامبر(ص)، در بیشتر موارد و توصیف آل پیامبر(ص) پس از این صلوات‌ها، یادآوری می‌کند که اهل بیت پیامبر(ص) به مصداق حدیث ثقلین، درکنار پیامبر(ص) و حائز مقام جانشینی او بودند. این مطلب راه را برای افرادی که از این موضوع بی‌خبر یا بر اثر آموزش‌های اموی از اهل بیت(ع) دور شده بودند، روشن و آشکار ساخته و می‌آموخت که برای پیروی از پیامبر(ص) باید به دنبال چه کسانی باشند.

کلمه امام و ائمه که حضرت سجاده(ع) در دعاها، خود، این کلمه را به کار می‌برد، برای تعیین مصداق اولوا الامر بود (محمودپور، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷) که در سوره نساء، اطاعت از آنان واجب خوانده شده است (نساء، ۵۹). مواردی چون وجوب طاعت امام (صحیفه سجاده، دعای ۴۷ و ۴۸) اختصاص راه رسیدن به خدا در پیروی از امام (همان، دعای ۴۷)، عصمت و طهارت امام (همان، دعای ۶، ۱۷، ۲۴، ۴۳ و ۴۷) و اینکه مصداق کلمه امام، در این گونه عبارت‌ها خود حضرت(ع) هستند: «وصل علی محمد وآله - کما اوجبنا الحق علی الخلق بسببه» (همان، دعای ۲۴)؛ در واقع، کلاس جامع امام‌شناسی برای همه کسانی بود که این ادعیه به دست آنان می‌رسید.

در صلوات شعبانیه (قمی، مفاتیح الجنان)، حضرت سجاده(ع) مضامین بلندی از مقام و جایگاه اهل بیت(ع) می‌آورد که این مضامین، بعدها در زیارت جامعه کبیره هم گنجانده شد. حضرت سجاده(ع) به واسطه القای این دست معارف در قالب دعا در میان مردم، شأن و رتبه اهل بیت(ع) را نیز آموزش می‌داد تا مردم با شناخت بیشتر آنان، متوجه باشند که باید از چه کسانی برای الگوگیری صحیح در مسیر اسلام و سبک زندگی اسلامی، راهنمایی بگیرند.

تبیین و آموزش این معارف، در مواردی نیز به‌ظهور عینی و عملی رسید و حضرت(ع)

مقام اهل بیت (ع) را آشکارا به مردم نشان داد؛ برای مثال، حضرت (ع) در کنار کعبه به جمعی که برای دعای باران جمع شده بودند، فرمود: «اگر شما نزد خدا محبوب بودید، خدای تعالی به دعای شما باران نازل می‌کرد». سپس خود دعا کرد و خدا را «به محبتی که نسبت به آنان دارد» قسم داد و باران بارید (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۶).

۲. شناساندن معارف صحیح اسلام و رفع بی‌خبری و انحراف

حضرت سجاد (ع) برای این منظور، از دو بُعد آموزشی کمک گرفت: الف) آموزش‌های گفتاری؛ ب) آموزش‌های عملی و رفتاری.

الف) آموزش‌های گفتاری

این روش آموزش، همان‌گونه که در بخش گذشته به آن اشاره شد، از طریق ادعیه، احادیث، مواعظ و سفارش‌ها به همه کسانی القا شد که کلمات حضرت (ع) به آنان می‌رسید.

در این بخش از آموزش، شاهد تبیین اندیشه درست اسلامی توسط حاملان آن، یعنی اهل بیت (ع) هستیم. بزرگترین نقش امام (ع) این است که تفکر اصیل اسلام را به مردمی که در فقر اعتقادی به سر می‌بردند، آموزش دهد (خامنه‌ای، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۹). در این زمینه، حضرت (ع) نخست به زبان موعظه، معارف اصلی و حقیقی را که مد نظر دارد، در ذهن مردم زنده کرد و کوشید با تکرار، این مسائل را به آنها بیاموزد؛ آموزشی که بیشتر بر یادآوری معارف تکیه می‌کند و کمتر جنبه استدلالی دارد (همان، ج ۳، ص ۱۲). حضرت در سخنان خود برای شناساندن خداوند، به شناخت و معرفت فطری «براساس آنچه خدای تعالی به ما شناسانده است» (میرشاه جعفری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵) هم اشاره می‌کند.

حضرت سجاد (ع) در مسیر این آموزش‌ها، به احیای بنیادهای صحیح اعتقادی، تبیین و تشریح اصول دین برای تصحیح و استحکام عقیدتی جامعه و رفع زیربنایی بسیاری از شبهه‌ها نیز اقدام کرد. در جامعه امروز باید همانند سبک آموزش امام چهارم (ع) اقدام شود. ضعف بنیه‌های اعتقادی، اعتقادات سست و تقلیدی در اصول دین و تبیین نشدن اصول دین به زبان ساده و فطرت‌پسند، مسائلی است که امروز نیز آشکارا در جامعه رواج یافته است.

آموزش و احیای سبک زندگی اسلامی، در صورتی تحقق می‌پذیرد که اعتقاد صحیح و محکم درباره اصل آن؛ یعنی دین مبین اسلام وجود داشته باشد، اعتقادی که با یک شبهه ساده نابود نشود و زمینه علاقه و جذب به انجام دادن عمل صالح؛ یعنی زندگی به سبک و خواسته دین را فراهم کند. بدون چنین اعتقادی که زیربنای لازم سبک زندگی اسلامی است، بنایی سست‌بنیاد گذاشته خواهد شد.

بنابراین، با توجه به سبک آموزش حضرت سجاده(ع)، تبیین و آموزش اصول دین با زبان فطری و همه فهم، اگر نگوئیم پیش از دیگر آموزش‌ها، باید به همراه دیگر آموزش‌ها در دستور کار جدی قرار گیرد.

مسئله توحید و شناخت خدای متعال

آموزش این موضوع، مبحثی است که حضرت(ع) در بسیاری از کلمات خود به آن توجه داشته است. معمول دعا‌های حضرت با حمد و سپاس خدای متعال و ذکر اوصاف باری تعالی شروع می‌شود. پاره‌ای دعاها و کلمات نیز اختصاص به مسئله توحید دارند. حضرت زین‌العابدین(ع) در دعای عرفه، پروردگار عالم را چنین توصیف می‌کند: «سپاس، مخصوص پروردگار جهانیان است. خدایا سپاس تو راست، ای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین؛ صاحب جلال و کرامت؛ پروردگار تمام اربابان و معبود هر معبودی و خلق‌کننده هر مخلوق و وارث همه چیز. چیزی شبیه او نیست و از علم او چیزی کم نمی‌شود و بر هر چیزی نگهبان است. تو پروردگاری هستی که جز تو خدایی نیست؛ یکتا و یگانه‌ای؛ فرد (و تنهایی و بر جمله «لا اله الا انت» چندین بار تأکید می‌فرماید) (صحیفه سجاده، دعای ۴۷).

حضرت در خلال دعا‌هایش به رفع شبهه‌ها و انحراف‌هایی که ایجاد شده بود نیز توجه داشته است: «خدایا، قدرت تو آشکار شد، آیا شمایل جلالت آشکار نشد؟ پس تو را نشناختند و برای تو اندازه‌ای قائل شدند که تو در آن نیستی و تو را تشبیه کردند و من، ای پروردگارم، از این افراد بری هستم؛ افرادی که با تشبیه، تو را طلب کردند...» (صحیفه جامعه، ص ۱۹).

«سپاس خدایی را که اول است، بدون آنکه اولی قبل از او بوده باشد و آخر است، بدون آنکه آخری بعد از او باشد؛ خدایی که چشم‌های بینندگان، از رؤیت او ناتوان است و گمان توصیف‌کنندگان، از ستودنش عاجز است (صحیفه سجاده، دعای ۱).

مسئله عدل

بحث دیگری که حضرت سجاده (ع) به آموزش آن اهتمام می‌ورزید، عدل الهی بود: «زمانی که به پایان عمرش رسید، او را به سوی آنچه از پاداش بسیار یا عقاب دردناک فراخوانده، ببرد^۱ که همه آنها به واسطه عدل اوست» (همان).
«براساس عدل تو در حکم، که هیچ ظلمی در آن نمی‌کنی» (همان، دعای ۴۶)، «تو کسی هستی که اراده کردی و آنچه اراده کردی، حتمی است و قضا قرار دادی و آنچه قضا نمودی، عدل است» (همان، دعای ۴۷).

مسئله نبوت و امامت

در بخش اول اشاره کردیم که حضرت درباره این موارد، تأکید و آموزش فراوانی داشت.

مسئله معاد و قبر

یکی دیگر از مسائل آموزشی حضرت زین العابدین (ع) در زمینه اصول دین، تبیین مسئله قبر و پرسش‌های مطرح در آن و نیز مسئله معاد، در هر روز جمعه بود: «ای فرزند آدم! اجل تو سریع‌ترین چیزی است که به تو می‌رسد و وقتی به قبر رفتی، دو ملکِ ناکر و نکیر به سراغ تو می‌آیند و از پروردگاری که می‌پرستیدی، پیامبری که به سوی تو آمده بود، دینی که به آن عمل می‌کردی، کتابی که می‌خواندی، امامی که ولایت او را داشتی و اینکه عمرت را در چه راهی مصرف کردی و مالت را از چه راهی به دست آوردی و در چه راهی خرج کردی، از تو می‌پرسند. پس از حال، پاسخ آنها را آماده کن و بدان که پس از این، موقعیتی بسیار بزرگ‌تر و ترس‌آورتر برای قلوب وجود دارد که روز قیامت است. در آن روز عذری پذیرفته نمی‌شود، فدیهای پذیرفته نمی‌شود و راه توبه‌ای نیست و فقط جزا به حسنات و سیئات خواهد بود...»^۲ (کلینی،

۱. «لِجَزَى الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمَلُوا وَيَجْزَى الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى».

۲. يَا ابْنَ آدَمَ! إِنَّ أَجَلَكَ أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَيْكَ قَدْ أَقْبَلَ نَحْوَكَ حَتَّىٰ يَطْلُبَكَ وَيُوشِكُ أَنْ يُدْرِكَكَ وَكَأَنَّ قَدْ أَوْفَيْتَ أَجَلَكَ وَ قَبَضَ الْمَلِكُ رُوحَكَ وَ صَرَّتْ إِلَى قَبْرِكَ وَحِيداً فَرَدَّ إِلَيْكَ فِيهِ رُوحَكَ وَ أَفْتَحَمَ عَلَيْكَ فِيهِ مَلَكَانِ - نَاكِرٌ وَ نَكِيرٌ لِمَسَاءَلَتِكَ وَ شَدِيدٌ امْتِحَانِكَ أَلَا وَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يَسْأَلُكَ عَنْ رَبِّكَ الَّذِي كُنْتَ تَعْبُدُهُ وَ عَنْ نَبِيِّكَ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكَ وَ عَنْ دِينِكَ الَّذِي كُنْتَ تَدِينُ بِهِ وَ عَنْ كِتَابِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتْلُوهُ وَ عَنْ إِمَامِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ ثُمَّ عَنْ عُمْرِكَ فِيمَا كُنْتَ أَفْتَيْتَهُ وَ مَالِكَ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبْتَهُ وَ فِيمَا أَنْتَ أَنْفَقْتَهُ فَخُذْ حِذْرَكَ وَ انظُرْ لِنَفْسِكَ وَ أَعِدْ الْجَوَابَ قَبْلَ الْامْتِحَانِ وَ الْمَسَاءَلَةِ

۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۷۲).

تبيين معاد و تأكيد بر حاضر کردن پاسخ برای پرسش‌های آن در زمان حیات را به خوبی از رهنمودهای حضرت(ع) می‌توان دریافت. کسانی که این موعظه‌ها را دریافت می‌کردند، از قبل توسط حضرت(ع) با این‌گونه مسائل آشنا شده بودند، چون اهمیت آن مسائل را درک می‌نمودند و برای یادگیری آنها به محضر امام سجاده(ع) می‌رفتند. مهم‌تر از همه اینها، تأکید و تکرار حضرت(ع) بر این مسائل به صورت هفتگی و در هر جمعه است که در واقع آموزش پیوسته استادی است که برای آگاهی و رفع انحراف‌ها، متصل به منبع اصلی در این حوزه است؛ همان‌گونه که خود وی به آن اشاره فرموده است.

حمد و سپاس الهی

آموزش حمد و سپاس خداوند برای نعمت‌هایی که به انسان‌ها بخشیده است، یکی دیگر از آموزش‌های حضرت بود که با یادآوری نعمت‌ها همراه می‌شد. البته حضرت(ع) همواره خود را از بیان آنها ناتوان می‌خواند: «سپاس خدای را بر آنکه خود را به ما شناساند و شکر خود را به ما الهام کرد و درهای علم را به ربوبیتش بر ما گشود و ما را به اخلاص در توحیدش دلالت نمود و ما را از شک در امرش بازداشت» (همان، دعای ۱).

حضرت سجاده(ع) در آموزش حمد و سپاس الهی به آثار آن نیز اشاره دارد: «سپاسی که ظلمات برزخ را برای ما روشن می‌کند و راه را در برانگیخته شدن روشن می‌سازد. سپاسی که ما را به اعلی‌علیین می‌رساند و به هنگام تیرگی چشم‌ها، چشم ما را روشن می‌کند و صورت ما را به هنگام سیاهی صورت‌ها، سفید می‌گرداند...» (همان). آموزش توجه به شکرگذاری و بیان پیامدهای آن، همان‌گونه که حضرت به آن اشاره می‌کند، مدنظر است؛ به عنوان یکی از اصول سبک زندگی اسلامی می‌تواند به‌جای ناشکری و طلبکاری همیشگی و ندیدن نعمت‌های پروردگار که در جامعه امروز ما به عنوان روال بسیاری از افراد و خانواده‌ها قرار گرفته است.

وَ الْاِخْتِيَارِ... وَ ذَلِكَ يَوْمٌ لَا تَقَالُ فِيهِ عَثْرَةٌ وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْ أَحَدٍ فِدْيَةٌ وَ لَا تُقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ مَغْرَرَةٌ وَ لَا لِأَحَدٍ فِيهِ مُسْتَقْبَلُ تَوْبَةٍ لَيْسَ إِلَّا الْجَزَاءُ بِالْحَسَنَاتِ وَ الْجَزَاءُ بِالسَّيِّئَاتِ.

حقوق

یکی از مباحث مطرح در ذیل آموزش گفتاری حضرت سجاده (ع)، آموزش حقوق توسط آن بزرگوار بود. رعایت حقوق در جامعه اسلامی، یکی از مبانی جدی در رفتارهاست؛ چه حقوق الهی، چه حقوق شخصی و فردی و چه حقوق در ارتباط با دیگران؛ اعم از خانواده، دوستان، افراد و اجتماع که از آن به حق‌الناس تعبیر می‌شود و رعایت این حقوق نیز به عنوان یکی از دستورها و برنامه‌های بهبودبخشی و ارتقای حیات مادی و معنوی اسلام است.

رساله حقوق امام سجاده (ع) نشان‌دهنده اهمیت رعایت حقوق در رفتار ارتباطی است. در این رساله، بخش بزرگی به حقوق در رفتار ارتباطی درون‌شخصی مربوط است، مانند گوش، زبان، دست و پا و ...؛ همچنین، مواردی از حقوق لازم در زمینه ارتباط بنده با خدا و موارد زیادی نیز از حقوق ارتباط شخص با دیگران را مطرح می‌کند (قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

امام سجاده (ع) با عنوان کردن این حقوق، به آموزش چگونگی رفتار بایسته و شایسته یک مسلمان در ارتباط با خدا، خود و دیگران می‌پردازد؛ در واقع، می‌فهماند که بدون آموزش نظام حقوقی اسلام، هیچ‌کس حد و مرز خود را نمی‌شناسد و رعایت نمی‌کند. بنابراین، زمینه بروز اختلاف و هرج و مرج در جامعه و عقوبت اخروی به واسطه رعایت نکردن حقوق به وجود می‌آید. حضرت، نخست انواع حقوق را فهرست‌وار می‌آورد و سپس این حقوق را شرح می‌دهد: «بدان که خداوند بر تو حقوقی دارد که در همه حال، تو را فرا گرفته است؛ در هر حرکتی که می‌کنی، یا سکون و آرامشی که داری، یا جایی که فرود آیی، یا هر عضوی که تکان دهی، یا ابزار و وسیله‌ای که به کارگیری. برخی بزرگ‌تر و برخی کوچک‌ترند، و بزرگ‌تر از همه، رعایت حق خود او - تبارک و تعالی - است که بر تو واجب ساخته که ریشه تمام حق‌هاست و باقی حقوق، همگی از آن منشعب می‌شوند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۸؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۵).

حضرت در ادامه، به توضیح گسترده حقوق می‌پردازد و ۵۱ حق را برمی‌شمارد و که این حقوق و رعایت آن، بر عهده شخص مسلمان است.

سبک زندگی، مفهومی است که به «امکان انتخاب» در شیوه زندگی اشاره دارد. در فضایی که افراد با انتخاب الگوهای رفتاری‌شان در جنبه‌های گوناگون زندگی، ناخواسته

مبادی فرهنگی آن الگوها را می‌پذیرند. اهمیت این انتخاب‌ها در حفظ ارزش‌های فرهنگی آشکار می‌شود. انتخاب نوع الگویی که به حوزه رفتار انسان، چه در حیطه فردی و چه اجتماعی مربوط است، نقش مهمی در نشان دادن اصول و ارزش‌های فرهنگی فرد و جامعه خواهد داشت.

نمود و نماد سبک زندگی که افراد جامعه انتخاب می‌کنند، در رعایت حقوق، به‌خصوص در حیطه اجتماع که محل بروز رفتارهای انسانی است، خود را آشکارا نمایان می‌سازد. در جامعه امروز، آموزش مواردی که حضرت(ع) به عنوان حقوق، تبیین کرد و آموزش داد، هم در رابطه‌های فردی و هم اجتماعی، اثرگذاری شایان و چشم‌گیری خواهد داشت.

بسیاری از بی‌توجهی و رعایت نکردن‌ها، ناشی از ندانستن حقوق و وظایف فردی و اجتماعی است. همچنین، میدان را برای بیان و رواج نقدهایی که جامعه اسلامی را عقب‌مانده و بی‌انضباط معرفی می‌کنند، باز و فراهم خواهد کرد. امام(ع) برای رفع جهل و توجه دادن جامعه مسلمان به وظایف خود و نشان دادن اوج فرهنگی سبک زندگی اسلام، این مطالب را به صورت خاص فرمود.

آموزش این حقوق، به منظور اصلاح خود و حرکت در سبک زندگی دینی و تعامل و تدبیر و سوق‌دهی این موقف و شرایط، به سوی مؤلفه‌ها و اهداف دلخواه حیات طیبه دینی است که در جهت تحقق تمدن اسلامی قرار دارد.

دعای مکارم الاخلاق

آموزش معارف و حقوق در جامعه اسلامی، تنها کارهای حضرت سجاده(ع) نبود، بلکه آن امام برای آشنایی مردم با معارف عمیق سبک زندگی اسلام، دعایی را نیز به عنوان مکارم اخلاق و اعمالی که رضایت پروردگار را در پی داشت، آموزش داد. مطالب این دعا نیز در راستای بیان حقوق است.

مسائل ابتدایی و اساسی سبک زندگی اسلامی، با رعایت حوزه مهم حقوق، محقق می‌شود، اما در ادامه راه، رعایت و رواج مسائلی فراتر از حق فردی و اجتماعی، به عنوان کرامت انسانی، اوج نگاه کمال‌گرای سبک زندگی اسلام را بیان می‌کند که افزون بر رعایت حقوق، خواستار رواج مکارم اخلاقی در میان پیروان خویش است. آموزش، اجرا و معرفی این نوع و سبک زندگی در جامعه امروز، نگاه جهان را به سبک زندگی اسلام

دگرگون خواهد کرد.

در این دعا، حضرت (ع) چگونگی رسیدن به رضایت پروردگار را از طریق رعایت مکارم اخلاقی و کارهایی آموزش داد که با انجام دادن آنها می‌توان اوج سبک زندگی اسلام را نشان داد: «کامل بودن نیت؛ یقین درست داشتن؛ مفاسد اعمال نیک مانند تکبر، فاسد شدن عبادت به خودپسندی، فاسد شدن رساندن خیر به مردم با منت، فاسد شدن اخلاق نیکو به فخرفروشی؛ ضرورت حضور در مسیر حق؛ شناخت حق و ثبات قدم در راه حق؛ بذل عمر در طاعت الهی؛ محبت به جای بغض؛ مودت به جای حسد؛ اطمینان به جای تهمت؛ دوستی به جای دشمنی؛ توان مقابله با ظالمان؛ توان استدلال بر دشمنان؛ با نصیحت به سراغ خیانت رفتن؛ با نیکی به سراغ دوری‌گزیده‌ها رفتن؛ با گشاده‌دستی به سراغ محروم‌کنندگان رفتن؛ با وصل به سراغ قطع‌کننده‌ها رفتن و ...» (قمی، *مفاتیح الجنان*، دعای مکارم‌الاخلاق).

فقه

توجه به فقه نیز یکی از مسائلی بود که حضرت سجاد(ع) از آن غافل نبود. امام سجاد(ع) آموزش فقه را در دوره‌ای که از فشار و ستم اموی کمی کاسته شده بود، مدّ نظر قرار داد تا جایی که بزرگان اهل سنت چون شافعی، از این مقام فقهی حضرت(ع) یاد کردند. شافعی می‌گوید: «علی ابن الحسین را فقیه‌ترین اهل شهر یافتیم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۲۷۴).

ابن سعد در طبقات، حضرت را چنین توصیف می‌کند: «علی ابن الحسین، ثقه و مورد اعتماد، کثیر الحدیث، عالی‌رتبه و پارسا بود» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۲۲).

زهری نیز که از محضر امام سجاد(ع) بهره‌مند شده بود، می‌گفت: «علی ابن الحسین بیشتر از هرکسی بر من منت دارد» (همان، ص ۲۱۴)، درباره فقه حضرت(ع) می‌گوید: «کسی را فقیه‌تر از زین‌العابدین نیافتم» (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۹؛ حنبلی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۷۵).

همچنین، ابن حبان نوشته است: «او از بزرگان بنی‌هاشم از فقهای اهل مدینه بود» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۱۶۰). ارائه چنین تعبیرهایی از علمای اهل سنت، این نتیجه را می‌رساند که حضرت(ع) در مدینه به کار آموزش فقه هم مشغول بوده و شاگردانی در این زمینه تربیت کرده است.

توجه به فقه، به عنوان مسائل حلال و حرام زندگی، از مواردی است که در سبک زندگی اسلامی نقش جدی و تعیین کننده دارد. دانستن حلال و حرام، بخشی از دین مبین اسلام است که مسائل اجرایی زندگی را در لزوم انجام دادن یا حرمت آن مشخص می کند. پای بندی یا بی تعهدی به این احکام، در بعضی موارد، ملاک حضور داشتن یا حضور نداشتن افراد در حیطه ایمان و اسلام معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۰؛ ج ۲، ص ۲۸۷؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۰).

با توجه به کمرنگ شدن اهمیت این موضوع در جامعه امروز، ضرورت آموزش فقهی به معنای یاد شده، به عنوان یکی از ارکان اجرای صحیح و تداوم سبک زندگی اسلامی، امری بدیهی به نظر می رسد، چنان که حضرت سجاده(ع) نیز به آموزش این امر همت گماشت.

فرزندان و اهل خانه

امر دیگری که حضرت سجاده(ع) در آموزش های گفتاری به آن اهتمام می ورزید، آموزش معارف برای فرزندان و اهل خانه بود. بحث درباره معارف اسلام در خانه و با فرزندان، یکی از این روش های آموزشی است. زید بن علی می گوید: از پدرم درباره نمازی که در شب معراج به پیامبر(ص) ابلاغ شد، پرسیدم که چرا خود رسول خدا(ص) درخواست تخفیف نکرد؟ پدرم پاسخ داد: رسول خدا(ص) تابع محض بود و اعتراضی در فرمان های الهی نمی آورد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ همچنین، در انتخاب همنشین سالم به فرزندان، می فرماید: «فرزندم، از مصاحبت با پنج دسته برحذر باش و با آنان همنشین و هم گفتار و حتی هم سفر مشو؛ با دروغگو که چون سراب است؛ دور را نزدیک و نزدیک را دور نمایاند؛ فاسق که تو را به یک یا کمتر از یک لقمه بفروشد. بخیل که در سخت ترین نیازمندی ها تو را تنها گذارد؛ احمق که به جای سود، به تو زیان رساند و قاطع رحم که من او را در قرآن، ملعون یافتم»^۱ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۹).

۱. يَا بَنِي أَنْظِرْ خَمْسَةَ فَلَا تُصَاحِبُهُمْ وَلَا تُحَادِثُهُمْ وَلَا تُرَافِقُهُمْ فِي طَرِيقٍ فَقَالَ يَا أَبَتَ مَنْ هُمْ قَالَ عِيبَانُ وَ مُصَاحِبَةُ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزَلَةِ السَّرَابِ يُقَرَّبُ لَكَ الْبَعِيدُ وَ يُبْعَدُ لَكَ الْقَرِيبُ وَ عِيبَانُ وَ مُصَاحِبَةُ الْفَاسِقِ فَإِنَّهُ بِأَعْيُنِكَ بِأَكْثَرِ أَوْ أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَ عِيبَانُ وَ مُصَاحِبَةُ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ عِيبَانُ وَ مُصَاحِبَةُ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ عِيبَانُ وَ مُصَاحِبَةُ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مُلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ.

می‌بینیم که حضرت(ع) برای آموزش فرزندان خود، برنامه‌ریزی داشت و نکات مهم حیاتی مورد نیاز آنان از معارف اصیل اسلامی را به آنها آموزش می‌داد. آموزش گفتاری معارف در خانواده که مهم‌ترین رکن تشکیل جامعه اسلامی و محیط پرورش فکری و عقیدتی افراد جامعه است، زیربنای آموزش تربیتی افراد در اجرای سبک زندگی اسلامی است. نقش خانواده در تربیت و ایجاد بنیاد صحیح تفکر اسلامی، به قدری آشکار است که جای تردید ندارد. خداوند متعال در کتاب خود که منشور تبیین سبک زندگی اسلام است، به مؤمنان سفارش می‌کند که پس از حفظ خود، خانواده خود را نیز از آتش جهنم درامان دارند (تحریم، ۶).

بر این اساس، حضرت سجاد(ع) این موضوع را به عنوان حقی از حقوق لازم‌الاجرا در رساله حقوق می‌خواند (رساله حقوق، حق فرزند) و برای انجام دادن این وظیفه، از خداوند یاری می‌طلبد: «و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی کردن به ایشان یاری کن» (صحیفه سجاده، دعای ۳۵). این موضوع، نشان‌دهنده اهمیت جدی این وظیفه در قبال فرزندان است.

امروزه، در بسیاری از خانواده‌ها به جای توجه به این موضوع پراهمیت، بیشتر توجه‌ها معطوف به امر معیشت، خوراک و پوشاک فرزندان است؛ بنابراین، آموزش و توجه دادن خانواده‌ها به مسئولیت اصلی‌شان و نیز ارائه شیوه‌های آموزش معارف دینی به فرزندان، گامی زیربنایی و مؤثر در راه ترویج سبک زندگی اسلامی خواهد بود.

ب) آموزش‌های رفتاری

امام سجاد(ع) به گفتار و آموزش گفتاری صرف، بسنده نکرد و همراه این آموزش‌ها، به موضوع مهم آموزش‌های رفتاری نیز توجه ویژه داشت و از این آموزش‌ها به بهترین شکل بهره‌برداری کرد. در این حوزه، با دو نوع رفتار آموزشی از آنان روبه‌رو می‌شویم: ۱) رفتارهایی که خود حضرت(ع) به آنها عمل می‌کرد. خواست و مطلوب اهل بیت(ع) از شیعیان، چنان‌که حضرت امام صادق(ع) بیان فرمود، این بوده است که مردم را به غیر زبان، به دین خدا دعوت کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸)؛ بنابر سنت و روال اهل بیت(ع)، خود آنان اولین عامل به دستورهای الهی بودند و با این کار، به مردم آموزش رفتاری می‌دادند. در رفتار امام سجاد(ع) شاهد رفتارهای آموزشی بسیاری هستیم.

یکی از مهم‌ترین کارهای حضرت، گریه در هر فرصتی برای شهیدان کربلا بود. یادآوری و زنده نگه‌داشتن یاد عاشورا، هم مبارزه‌ای سیاسی برای بیان ظلم بنی‌امیه بود و هم آموزشی برای مردم و کسانی که در کنار حضرت(ع) قرار می‌گرفتند که هیچ‌گاه یاد و نام عاشورا نباید از بین برود. این کار حضرت(ع) آن‌قدر زیاد شده بود که حتی اعتراض خادمان را به جهت ترس از جانشان در پی داشت (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۰۷).

توجه به این نکته بسیار مهم و کارگشا که پیامدهای تربیتی و راهبردی فراوانی در راستای امر به معروف و نهی از منکر دارد، هرگز نباید از دید برنامه‌ریزان و آموزش‌دهندگان دور بماند؛ همچنین، توجه به هدف این فعالیت آموزشی (هدف امر به معروف و نهی از منکر گریه‌ها)، جهت دور نشدن از هدف تبیین سبک زندگی اسلامی، ضروری است.

حضرت(ع) رفتارهای درست عبادی و سنت‌های صحیح رسول خدا(ص) را با رفتار خود، آشکارا آموزش می‌داد. حضرت در اذان، ذکر «حی علی خیر العمل» را می‌گفت و در اعتراض‌ها می‌فرمود که این همان اذان رسول خدا(ص) است (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۶۱۸).

عبادت‌های حضرت نیز به گونه‌ای بود که دوست و دشمن به آن اعتراف داشتند. ژهری که از علمای درباری بنی‌امیه بود، هر وقت نام حضرت(ع) را می‌شنید، گریه می‌کرد و می‌گفت: «زینت عبادت‌کنندگان». (همان، ص ۶۱۰)؛ همچنین، القاب «علی الخیر، علی العابد، ذی الثغفات و سیدالعابدین» درباره‌ی وی به‌کار برده می‌شد (همان، ص ۶۱۱).

رفتار حضرت در رسیدگی به محرومان و اعطای صدقات، زبانزد بود (اربلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷). وقتی حضرت سواره از کوچه‌ها می‌گذشت، هیچ‌گاه فریاد «راه، راه» نمی‌زد تا مردم کنار روند (همان، ص ۶۱۲). در سیر زندگی حضرت(ع) این‌گونه رفتارهای هدفمند را که برای آموزش مردم صورت می‌گرفت، بسیار می‌توان دید. در پاره‌ای از موارد، هدفمندی این رفتارهای آموزشی را به روشنی از نقل‌ها می‌توان برداشت کرد: روزی یکی از خویشان حضرت(ع) نزد ایشان رفت و بی‌حرمتی کرد و سخنان سخیفی گفت. حضرت هیچ پاسخی ندادند. وقتی او بازگشت، حضرت(ع) به

اطرافیان گفتند: آیا شنیدید چه گفت؟ با من بیایید تا پاسخ او را بدهم. جمع به همراه امام(ع) به در خانه آن شخص رفتند و حضرت(ع) برای پاسخ، چنین فرمودند: «ای برادر، اگر آنچه به من گفتی در من بود، خداوند مرا ببخشد و اگر نبود، خداوند تو را ببخشد». با دیدن این رفتار، آن شخص از حضرت(ع) طلب بخشش کرد (طبری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۳).

پاسخ ندادن در مجلس و دعوت به همراهی حاضران با وی و نمایش رفتار صحیح با فرد خاطی، بسیار صریح، هدف آموزشی حضرت(ع) را از رفتارش تبیین می‌سازد. (۲) آموزش رفتارهای صحیح به افراد و درخواست انجام دادن آن از فرد مورد نظر، یکی از روش‌های آموزش رفتاری حضرت سجاد(ع) بوده است. حضرت(ع) در حمام به فردی که خوب ستر عورت نکرده بود، از قول رسول خدا(ص) هشدار داد و به او پارچه‌ای داد تا با آن خود را بپوشاند. سپس او را سفارش به خضاب کردن نمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹۸) یا به غلامی که از حضرت(ع) به دلیل تنبیه ناشی از اهمال در انجام دادن کار، ناراحت شده بود، آموخت که به نزد قبر رسول خدا(ص) برود، دو رکعت نماز بخواند و بگوید: «خداوندا! علی ابن الحسین را مورد مغفرت قرار ده» و سپس او را در راه خدا آزاد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۹۲).

حضرت(ع) این سبک آموزش رفتاری را درباره فرزندان خود نیز اعمال می‌کرد. امام سجاد(ع) به فرزندانش دستور می‌داد که نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را جمع بخوانند تا به سبب بازیگوشی کودکان، از خواندن آن غافل نشوند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹). آشنا کردن فرزندان با نافله‌ها به همراه آموزش فریضه‌ها و واجبات، از دیگر کارهای آموزشی حضرت(ع) بود: «پدرم نافله‌های روز را که گاهی از او فوت می‌شد، در شب به جا می‌آورد و به من می‌گفت: پسرم این کار را شما هم انجام دهید. این امر واجب نیست، اما دوست دارم وقتی به کار خوبی عادت کردید، بر آن مداومت کنید» (اربلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۷). درباره آموزش احترام به بزرگ‌تر نیز راوی نقل می‌کند: «نزد جابر بودیم و امام سجاد(ع) به همراه پسرش محمد(ع) وارد شد. حضرت(ع) به فرزندش فرمود: پیشانی عمویت را ببوس» (همان، ص ۳۳۱). با این کار، حضرت(ع) به فرزند خود آموخت که چگونه به بزرگ‌ترها احترام بگذارد.

آموزش‌های رفتاری به منظور هدایت مردم به مسیر حق، به خصوص با دو شیوه‌ای

که امام سجاده(ع) از آن بهره می‌برد، مسئله‌ای است که امروزه به صورت برنامه‌ریزی شده، در آموزش‌های دینی، بسیار کم مطرح می‌شود. در کنار تبیین گفتاری، باید به خواست و سفارش ائمه دین(ع)، آموزش رفتاری را با برنامه‌ریزی برای شناساندن، آموزش و ترویج رفتارهای صحیح، همه سازمان‌ها و نهادها در دستور کار آموزشی خود قرار دهند.

همچنین، بهره‌گیری آموزشی از رسانه‌های دیداری و شنیداری، همان‌گونه که دشمنان در جهت آموزش‌های منفی خود از آنها بهره می‌برند و به شکلی نامحسوس در رفتارها رخنه می‌کنند، با برنامه‌ریزی مدوّن و هدفمند باید پیگیری شود.

مدرسه تربیت

حضرت سجاده(ع) در کنار آموزش‌های گفتاری و رفتاری، برنامه‌ریزی جهت‌داری را برای آموزش و تربیت افراد خاص و پراکندن آنان در میان مردم در پیش گرفت که می‌توان از آن، به عنوان نیروسازی پنهان وی یاد کرد. خرید، تربیت، آموزش و سرانجام آزاد کردن بردگان، از مهم‌ترین فعالیت‌های امام(ع) بود که اهتمام جدی بر آنها داشت. اولین هدف حضرت(ع) از این کار، آموزش همسانی انسان‌ها در محیطی بود که امویان بر طبل تفاوت‌های قومی می‌کوبیدند و برتری عرب را تبلیغ می‌کردند و آموزش می‌دادند. خطاب «فرزندم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۹۲) که حضرت(ع) برای بردگان به کار می‌برد، نشان از میزان تکریم حضرت در رفتار با افرادی بود که در جامعه به دید پست‌ترین موجودات به آنها نگاه می‌شد.

حضور بندگان و بردگان در خانه امام(ع) که همراه با کرامت بود، موجب می‌شد تا دیگران، نوع رفتار و گفتار حضرت(ع) با مردم، خانواده و فرزندان را به شکل خاص و مؤثر بیاموزند. در پرتو این آموزش‌ها گاهی غلامانی در محضر حضرت(ع) تربیت می‌شدند که به مقام استجاب دعا می‌رسیدند (مسعودی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۷۴).

تربیت و آزاد کردن نزدیک به صد هزار نفر (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۶۲۷) از افرادی که به طور مستقیم و نزدیک از آموزش‌های حضرت بهره بردند، یک جمعیت بزرگ شیعه، یا دست‌کم ارادتمند اهل بیت(ع) و آشنا با معارف را در جامعه منتشر کرد؛ بدین ترتیب، جمعیتی با نقش تبلیغی و ترویجی سبک زندگی اسلامی که نمادی از آموزش چگونگی تکریم انسان و رفتار با بندگان در دستورهای اسلام و نمایش‌دهنده آموخته‌های آنان از

محضر حضرت سجاد(ع) بود، به عنوان نمونه‌های تربیت شده در مدرسه تربیت و سبک زندگی اسلامی حضرت(ع) در جامعه به فعالیت مشغول شدند. امروزه با الگوگیری از سبک آموزشی حضرت سجاد(ع) در این زمینه، باید برای خانواده‌ها و کودکان که سرمایه‌ها و آینده‌سازان جامعه هستند، برنامه‌ریزی دقیق و جزءنگر انجام شود. برای تحقق این موضوع، باید مدارس دینی به شیوه‌ای که امام(ع) شاگردانش را پرورش می‌داد، تشکیل و اداره شوند؛ یعنی فراگیران هم آموزش گفتاری و هم رفتاری ببینند؛ به شکلی که در جان و دل کودکان و سرمایه‌های آینده جامعه بنشینند. اگرچه در بعضی از منابع، مدارس دینی و فعالیت‌های فرهنگی، کارهایی خودجوش و جهادی می‌بینیم، اما باز هم به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند در مدارس اجرا نمی‌شوند. توجه به این شیوه‌های آموزشی با الگوگیری از سبک آموزشی امام سجاد(ع) و برنامه‌ریزی آموزشی هدفمند و دغدغه‌مدار، می‌تواند در جامعه امروز که مسیرهای پرورشی از مسیر اصلی فاصله گرفته‌اند، تحول ایجاد کند؛ همان‌گونه که جامعه عصر امام چهارم(ع) دگرگون شد.

آموزش امر به معروف و نهی از منکر

آموزش چگونگی امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان سیستم نظارتی عمومی اسلام را می‌توان از شیوه رفتار حضرت(ع) با عالمان درباری آموخت. عالمانی که توان علمی خود را در جهت انحراف مردم از راه صحیح اسلام به کار می‌بردند. حضرت با نشان دادن زشتی حال و عمل آنان به مردم، برای شناسایی راه و نیفتادن در دام گمراهی آنها، اقدام کرد.

به عنوان نمونه، یکی از این افراد محمدبن شهاب زهری بود که مدتی از محضر امام سجاد(ع) بهره برد، اما بر اثر پیروی هوای نفس، به دربار بنی‌امیه پیوست و آنان را در گمراهی مردم یاری کرد. حضرت(ع) در نامه‌ای که به او نوشت حال چنین عالمانی را بد و رقت‌انگیز خواند و در توصیف حال او فرمود: «در حالی قرار گرفته‌ای که هرکس از آن مطلع شود، سزاوار است برای تو دل بسوزاند» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۴)، سپس به بیان نعمت‌های خدای متعال به او پرداخت و نکاتی را ارائه داد که هم توجه خود او را به زشتی عملش جلب کند و هم کسانی که نامه را خواندند، روش امر به معروف و نهی از منکر و نتیجه اعمال این عالمان را درک کنند (خامنه‌ای، ۱۳۶۱ق، ج ۵، ص ۱۳).

آموزش راه‌های امید و نزدیک شدن به خدای متعال

راهکار حضرت سجاده(ع) در برابر رواج فساد بنی‌امیه و تبلیغ دور شدن از خدای متعال و ناامیدی از درگاه رحمت الهی، آموزش و ترویج ادعیه‌ای بود که افزون بر اصلاح و تقویت عقیده، به عنوان فرصت گفتگو با خدای متعال، راه را برای بازگشت و درخواست مغفرت و رسیدن به قرب الهی باز می‌کرد.

فعالیت شیطان برای دور کردن بندگان خدا از درگاه حق تعالی، به تصریح قرآن امری قطعی است (بقره، ۳۶؛ اعراف، ۱۶؛ حجر، ۳۹؛ اسراء، ۶۲؛ ص، ۸۹؛ طه، ۱۱۷) هنگامی هم که جامعه‌ای را به دوری از مسیر حق دچار کرد، با ترفندهای گوناگون همچون یأس از درگاه الهی و به تأخیر انداختن توبه (تسویف) و القای ناممکن بودن بازگشت، آدمی را از برگشتن به مسیر اصلی باز می‌دارد. این موضوع، اختصاصی به جامعه خاص ندارد و چنان‌که در جامعه امام سجاده(ع) وجود داشت، در جامعه امروز ما هم جریان دارد.

بنابراین، توجه به راه شفا و درمانی که حضرت(ع) برای این درد جامعه آموزش داد، نسخه شفابخشی برای انحراف‌ها و لغزش‌هایی است که در مسیر سبک زندگی اسلامی اتفاق می‌افتد و جامعه انسانی بی‌شک دچار آن است.

حضرت(ع)، در این بخش نیز از روش‌های گفتاری و عملی بهره می‌برد. دعایی که حضرت(ع) آموزش می‌داد، هنگامی که خود حضرت دعا را می‌خواند، چنان ارائه می‌داد که عمق دعا و مضامین آن بر دل و جان شنونده اثر می‌کرد و چگونگی تضرع در پیشگاه الهی را می‌آموخت. طاووس یمانی نقل کرده است: «از کنار حجرالاسود رد می‌شدم، دیدم شخصی مشغول رکوع و سجده است. دقت کردم و دیدم علی بن الحسین(ع) است. با خود گفتم او فردی صالح از اهل بیت(ع) است. پس، از حالات او استفاده کنم. سپس حضرت دست به دعا برداشت و فرمود: «آقای من! آقای من! این دو دست من است که به سوی تو دراز کرده‌ام، در حالی که از گناه پر هستم و چشمانم از امید به تو سرشارند...». پس چنان گریه‌ها و کلمات ایشان بر من تأثیر کرد که صدای ناله‌ام بلند شد و حضرت(ع) متوجه من شد» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹).

پس از مضامین معرفتی، حضرت مضمون انابه و توبه را که اولین قدم در راه بازگشت به سوی خداست، در بسیاری از ادعیه مطرح می‌فرماید. دعای ۳۱ صحیفه

مبارکه، اختصاص به توبه و طلب آن دارد. در این دعا حضرت به گناهکار می‌آموزد که ابتدا به زشتی عمل و میزان خطای خود پی ببرد و به آن اعتراف کند و متوجه باشد که گناه چه پیامدهای زیانباری در دنیا و آخرت برای او داشته و دارد؛ بدین ترتیب، پشیمانی جدی و واقعی به او دست دهد و به توبه و انابه واقعی برسد.

سپس حضرت به ذکر بعضی از مصداق‌های توبه و بازگشت می‌پردازد: «اگر پشیمانی، توبه است - پس من از همه پشیمان‌ترم و اگر ترک گناه بازگشت است، من اولین بازگشت‌کنندگانم و اگر استغفار، ریزنده گناهان است، پس من از استغفارکنندگانم». این مضامین در دعاهای ۹، ۱۳، ۱۶ و ۳۹ صحیفه مبارکه، دعای ابوحمزه ثمالی (قمی، *مفاتیح الجنان*) و دیگر دعاهای حضرت همچون مناجات‌التائبین از مناجات خمس عشر (همان) نیز آمده است.

پس از آن، حضرت اصل تذکر را برای دور شدن از گناه مطرح می‌فرماید. یاد و ذکر خدای متعال آثار بسیاری دارد که یکی از آنها دور شدن از گناه است؛ عبارت‌هایی چون «مرا با یاد و ذکر - بیدارکن» (همان، دعای ۲۰)، «قلب‌های ما را به یاد خودت مشغول دار» (همان، دعای ۱۱) و «با یاد و ذکر تو هوشیار و بیدار شدم» (همان، دعای ۱۳؛ میرشاه جعفری، ص ۱۰۷).

یأس نداشتن از درگاه الهی، مطلب دیگری است که حضرت (ع) در ادعیه، با توجه به شرایط و اوضاع اجتماعی دوره خود، بر آن تأکید فراوان داشته است. شرایط رواج گناه و مسئله «تسویف»؛ یعنی به تأخیر انداختن توبه که حضرت در مناجات‌الشاکیین از مناجات خمس عشر (قمی، *مفاتیح الجنان*) به آن اشاره می‌کند، این نکته را در ذهن گناهکار ایجاد می‌کرد که با این حجم گناه، دیگر جایی برای توبه نیست و یأس از رحمت الهی را به دنبال خود می‌آورد. حضرت (ع) با عبارت‌های خود، به گناهکاران می‌آموزد که یأس از رحمت الهی، امری بی‌معناست.

دعاهای صحیفه مبارکه سرشار از این مفهوم هستند. حضرت در دعای پنجاه صحیفه، با ذکر آیه قرآن می‌فرماید: «خدایا در کتابت یافتم که فرمودی: ای بندگان اسرافکار، بر خود از رحمت خدا مأیوس نشوید» و در دعای دوازدهم نیز می‌فرماید: «از تو مأیوس نمی‌شوم، درحالی که تو در توبه را بر من گشودی» این عبارت‌ها به موضوع ناامید نشدن اشاره دارند.

در مناجات اول از خمس عشر، حضرت (ع) می فرماید: «پروردگارا! تو همان کسی هستی که دری برای بندگان باز کردی و آن را توبه نامیدی و فرمودی به سوی خدا بازگردید به حقیقت، پس عذر کسی که پس از باز شدن در، از ورود غفلت کند، چیست؟» (قمی: همان، مناجات التائبین).

در دعای ابوحمزه نیز حضرت می فرماید: «پس قسم به عزتت، اگر مرا از درگاه خود برانی، از درگاه تو جایی نخواهم رفت و از التماس دست نخواهم کشید؛ چون به کرامت و وسعت رحمت ایمان قلبی دارم».

مناجات پانزده گانه

هنگامی که حضرت سجاده (ع) مفاهیم دینی و معرفتی را با آموزش ادعیه، در جامعه نهادینه کرد و برای قشری که خود را از درگاه الهی دور می دیدند، راه و روش بازگشت و نزدیک شدن را شرح داد، برای ارتقای سطح درک افراد و شاید با نیازی که با توجه به سطح معرفتی و قرب به دستگاه الهی برای افراد احساس می کرد، مناجاتی پانزده گانه را آموزش دادند. این مناجات برای همه افرادی که در مکتب وی به کسب معرفت افتخار داشتند، با هر سطحی، زبان گفتگو با پروردگار را فراهم می کند.

در این مناجات، شاهد چنین بخش هایی هستیم: ۱) مناجات التائبین (بازگشت کنندگان)؛ ۲) مناجات الشاکین (کسی که از نفس خود شکایت دارد)؛ ۳) مناجات الخائفین (کسی که از مقام خدا ترسان است)؛ ۴) مناجات الراجین (کسی که به خدا از راه امید نزدیک می شود)؛ ۵) مناجات الراغبین (کسی که به سمت خدا راغب است)؛ ۶) مناجات الشاکرین (کسی که شکرگذار است)؛ ۷) مناجات المطیعین لله (کسانی که مطیع خدایند)؛ ۸) مناجات المریدین (کسانی که ارادتمند خدایند)؛ ۹) مناجات المحبین (کسانی که دوستداران پروردگارند)؛ ۱۰) مناجات المتوسلین (کسانی که متوسل به درگاه الهی اند)؛ ۱۱) مناجات المفتقرین (کسانی که گدای درگاه الهی اند)؛ ۱۲) مناجات العارفين (کسانی که عارف به معارف الهی اند)؛ ۱۳) مناجات الذاکرین (کسانی که یادکنندگان پروردگارند)؛ ۱۴) مناجات المعتمنین (پناهندگان درگاه الهی)؛ ۱۵) مناجات الزاهدین (زهدپیشگان) (قمی، همان).

اگرچه خواندن این ادعیه محدودیتی ندارد، اما این مدل ارائه معارف و زبان سخن گفتن با پروردگار، نشان از برنامه ریزی حضرت (ع) در سطوح مختلف معرفتی، برای

شاگردان دور و نزدیک خود و کسانی دارد که از این دعاها بهره‌مند می‌شدند. همچنین، الفاظ و عنوان‌های این مناجات می‌آموزد که چنین مقام‌ها و مرتبه‌هایی برای سالک راه خداوند متعال وجود دارد.

اصلاح و بازنگری در روابط فردی با خداوند متعال به شیوه او؛ یعنی آموزش سپاسگزاری از خدا، راه‌های نزدیک شدن به خدا و شناخت پروردگار و تعامل با خدا، روش گفتگو و تبیین باز بودن همیشگی مسیر به سوی خدا.

اوضاع اجتماعی پایان عصر امام سجاده(ع)

برای دریافت نتیجه فعالیت‌های امام سجاده(ع)، نگاهی به اوضاع اواخر عهد امامت وی می‌اندازیم. امام(ع) در اواخر عهد امامت با حکومت عبدالملک و پسرش ولید هم‌دوره بود. نوع رفتار عبدالملک با امام(ع) نشان از تفاوت جدی این دوره با اوایل عهد امامت حضرت دارد. حجاج بن یوسف، جلاد امویان، دو سال بر مدینه حکومت داشت (یعقوبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷)، اما برخوردی میان ایشان و حجاج گزارش نشده است. حجاج برای تعرض به حریم امام سجاده(ع)، به دنبال اجازه خلیفه بود؛ بنابراین، نامه‌ای به عبدالملک نوشت و به او گفت: «اگر ثبات و دوام حکومت را می‌خواهی، علی بن الحسین را به قتل برسان»، اما عبدالملک در پاسخ نوشت: «از خون بنی‌هاشم برحذر باش و آن را حفظ کن» (طوسی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۳۸؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۶۴).

امام(ع) همان وقت نامه را به عبدالملک نوشت و گفت که توسط پیامبر خدا(ص) از آن تبادل‌نامه با خبر شده است. عبدالملک پس از بررسی تاریخ نامه، نوشته امام(ع) را درست یافت و هدایایی برای امام فرستاد (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۴۴ و ۳۴۵)؛ همچنین، حضرت(ع) در ماجرای ازدواجش با کنیز آزادکرده خود - که عبدالملک طی نامه‌ای، این اقدام را ناپسند خوانده بود و می‌خواست به امام(ع) بفهماند که از همه جریان‌های زندگی وی، حتی مسائل خصوصی آگاه است - جوابی دندان‌شکن و کنایه‌آمیز به عبدالملک نوشت. چنان‌که وقتی سلیمان، پسر عبدالملک، نامه را خواند، گفت: «ای امیرالمؤمنین! علی بن الحسین(ع) عجب تفاخری بر تو کرده است» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۷۰؛ طبری، ج ۵، ص ۱۷). این نامه حضرت(ع)، نشان‌دهنده تغییر مواضع از دوره‌ای بود که حضرت(ع) در ابتدای امر در آن قرار داشت.

حضرت(ع) در این دوازده سال، چنان به آموزش و گسترش شیعیان و ارادتمندان و

غلامان که بنا بر نقل تا پایان عمر حضرت (ع) به صد هزار نفر رسیدند (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۶۲۷)، پرداخت که شرایط شهر مدینه را از روزی که حضرت تعداد علاقه‌مندان خود را تنها بیست نفر اعلام کرده بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۴۳) به شرایطی که مثال‌هایی را از آن گفتیم، تغییر داد.

یادآوری این نکته هم ضروری است که حجاج پس از رفتن از مدینه به عراق، نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر را کشت و هشتاد هزار نفر را زندانی کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۶۶). جمع‌بندی آمار کشته‌ها و زندانی‌های حجاج در عراق، حتی با کسر نصف این آمار، نشان می‌دهد که یک جمعیت صد هزار نفری در عراق، دست‌کم متهم به تشیع بود و درحالی که به شدت زیر فشار حکومت قرار داشتند، باز هم از تشیع خود دست برنداشتند.

گروه‌های بی‌امان حضرت برای شهادت کربلا، دو قیام بزرگ توأین و مختار را در عهد امام (ع) ایجاد کرد؛ اگرچه امام (ع) دخالت مستقیمی در این قیام‌ها نکرد. آموزش‌های حضرت برای ارتقا و تصحیح معارف عمومی، دیدگاه مردم را به اهل‌بیت (ع) بسیار تغییر داد و حتی مردمی که از نزدیک شدن به اهل‌بیت (ع) ابا داشتند و به فرموده حضرت (ع) برای تقرّب به حکام، از لعن و طعن بر علی و آل‌علی (ع) استفاده می‌کردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۷۰)، در طواف خانه خدا به فرزند خلیفه توجه نکردند؛ اما وقتی امام (ع) برای استلام حجرالاسود جلو رفت، برای وی راه باز کردند.

فرزدق شاعر هم پاسخ حسادت هشام‌بن‌عبدالملک را با قصیده غرّای خود در توصیف حضرت (ع) داد (اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۲۱۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۱؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۱۶۹). در ابتدای نقل ادعیه هم بیشتر شاهد احترام مردم برای حضرت (ع) و شوق برای شنیدن و دریافت دعا از او هستیم (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹).

آموزش فقهی و علمی حضرت سجاده (ع) در شهر مدینه، تا جایی پیش رفت که علمای بزرگ اهل سنت درباره آن توصیف‌هایی ارائه دادند. سخن شافعی (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۲۷۴)، توصیف ابن‌سعد (ابن‌سعد، همان، ج ۵، ص ۲۲۲)، عبارت زهری (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۹؛ حنبلی، همان، ج ۱، ص ۳۷۵) و ابن‌حبان (ابن‌حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۱۶۰) گویای فعالیت فقهی حضرت (ع) بوده است. در جوامع روایی ما نزدیک به هشتاد نفر به طور مستقیم از امام سجاده (ع) روایت

نقل کرده‌اند (نرم‌افزار درایة‌النور: بخش اسناد).

از فرزندان حضرت(ع)، امام باقر(ع)، زید و حسین اصغر و از اصحاب، افرادی مانند ثابت بن دینار (ابوحمزه ثمالی)، محمد بن مسلم ژهری، سُذیر صیرفی، سعید بن مسیب، ابان بن تغلب، ابوخالد کابلی، جابر بن یزید جعفی و... جزو راویان احادیث امام سجاده(ع) هستند (همان). فعالیت علمی حضرت(ع) نیز به حدی بود که موجب نگرانی حکام اموی شد تا جایی که به فکر تأمین منبع علمی دیگری برای مردم به جز اهل‌بیت(ع) افتادند و به سراغ منابع علمی رومی و سریانی رفته و در عهد عبدالملک، دست به ترجمه کتاب زدند (ابن ندیم، ج ۱، ص ۳۰۳).

نتیجه

امام سجاده(ع) برای احیای جامعه خود، در چند حوزه به فعالیت و تربیت نسل همت گماشت:

۱. در بعد اصول اعتقادی و مبانی دینی (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت).
 ۲. در بازسازی جایگاه پیامبر و اهل‌بیت(ع) در نظام هستی و اصلاح مسیر تربیت.
 ۳. در ابعاد اخلاقی و معنوی؛ ترویج ادعیه و گشودن راه گفتگو با خدای متعال، ناامید نشدن، بازگشت به درگاه خدا.
 ۴. در بُعد رعایت حقوق فردی و اجتماعی، حتی حقوق محیط زیست و حیوانات. برای ارائه این معارف از دو شیوه گفتاری و عملی همزمان بهره برد و به گفتار و نوشتار صرف، بسنده نکرد؛
- این مقاله مقدمه‌ای است برای بهره‌گیری از سبک آموزشی امام سجاده(ع) و معارف و منطق تربیت جامعه و حرکت دادن آن به سوی سبک زندگی اسلامی.

منابع

قرآن کریم.

- صحیفه سجادیه (۱۳۹۲)، ترجمه حسین انصاریان، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
- صحیفه جامعه (۱۴۱۱ق)، گردآوری محمدباقر موحد ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی.
- رساله حقوق امام سجاده (ع).
- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، ۱۰ج، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن اعثم الکوفی، احمد (۳۹۳ق)، الفتوح، حیدرآباد: بی‌نا.
- ابن حبان، محمد بن حبان التمیمی (۱۳۹۳ق)، کتاب الثقات، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف عثمانی.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی‌طالب (ع)، ۴ج، قم: نشر علامه.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه.
- اربلی، علی بن عیسی (بی‌تا)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالاضواء.
- اصفهانى، ابوالفرج (۱۴۱۵ق)، الاغانى، ۲۵ج، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، جمل من انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۲)، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام، تاریخ خلفا، قم: انتشارات دلیل ما.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حیدری آقایی، محمود (۱۳۹۱)، «رسالت فرا عاشورایی»، کیهان فرهنگی، ش ۳۰۶، خرداد و تیر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۱)، «پژوهشی در زندگی امام سجاده (ع)»، مجله پاسدار اسلام، ش ۶-۱۲.
- ذهبی، ابو عبدالله شمس‌الدین (۱۴۰۵ق)، العبر فی خبر من غیر، تحقیق محمدالسعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ۴ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- طبری، عماد الدین حسن بن علی (۱۳۷۹)، *مناقب الطاهرين*، محقق حسین درگاهی، تهران: رایزن.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۵ق)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، بی‌جا: مرکز اسلامی للدراسات.
- عسکری، مرتضی (۱۳۸۶)، «سیره امام سجاد(ع)»، *فصلنامه پیام*، ش ۸۶.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۷)، *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*، تهران: سرآمد.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تحقیق غفاری و آخوندی، (۸ج)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۵)، *الفروع من الکافی*، ۸ ج، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، تحقیق جمعی از محققان، ۱۱ ج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمودپور، اکبری (۱۳۸۸)، «امامت در صحیفه سجادیه»، *فصلنامه علوم قرآن و حدیث*، ش ۸۲.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- _____ (۱۴۲۶ق)، *اثبات الوصیه*، قم: انتشارات انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ۲ ج، قم: کنگره شیخ مفید.
- میرشاه جعفری، حمید مقامی (۱۳۸۴)، «رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه»، *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ش ۱۵.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۲۸ ج، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.